



مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان

مهری مؤیدمحسنی^۱

ترانه‌های عامیانه بخشی از میراث فرهنگی تلقی می‌شوند که ریشه در اعتقادات و باورهای یک ملت دارند و از دانش، اندیشه و عواطف انسانی سرچشمه می‌گیرند؛ با توجه به اینکه دستمایه ترانه‌های عامیانه، حوادث مشترک زندگی مردم است، اصولاً خصلتی جمعی دارند، به صورت سینه‌به‌سینه و شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و در این روند از شرایط حاکم بر زندگی جاری مردم نیز متأثر می‌گردند. (افروغ، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

ترانه‌ها بخش جذّاب و شیرین ادبیات شفاهی‌اند و در مجموعه فرهنگ عامه همان جایگاهی را دارند که شعر در ادبیات رسمی از آن برخوردار است. ترانه‌ها به دلایلی از قبیل سادگی، آزادی و بی‌قید و بندی، تحرک و مضامین

۱. خانم مهری مؤیدمحسنی متولد ۱۳۲۹ از فرهنگیان پرتلاش است که با عزمی راسخ به گردآوری فرهنگ مردم زادگاه خود «سیرجان» مشغول است. ایشان همکاری خود را با فرهنگ مردم از سال ۱۳۴۸ با برنامه رادیویی فرهنگ مردم آغاز کرده‌اند که این همکاری ارزشمند تاکنون ادامه داشته است. ثمره چندین دهه تلاش مثال‌زدنی و فعالیت خستگی‌ناپذیر فرهنگی این آموزگار بازنشسته، گردآوری بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ مردم سیرجان است که بخشی از آن در دو کتاب با عناوین «فرهنگ عامیانه سیرجان» و «گوشش مردم سیرجان» منتشر شده است. این مقاله را خانم اکرم نطاق‌دماوندی تنظیم کرده است.

دارای اهمیت خاصی هستند و از آنجا که از دل بر آمده‌اند، بر دل نیز می‌نشینند. یکی از ویژگی‌های ترانه‌های محلی این است که می‌توان از مضمون آنها به وضعیت جغرافیایی شاخصه‌های اقلیمی، یادگارهای فرهنگی، انقلاب‌های محلی، رنج‌ها و خوشی‌ها، نیازها و بی‌نیازی‌ها پی برد؛ از تاریخ ترانه‌سرایی و اینکه چه کسی اولین ترانه عامیانه را سروده، هیچ اطلاعی در دست نیست اما آنچه مسلم است پیشینه آن به آغاز پیدایش انسان می‌رسد. (احمدی پناهی، ۱۳۷۶: ۱۱)

انواع ترانه‌های محلی در سیرجان در انواع زیر قابل دسته‌بندی هستند:

۱. فهلویات یا دوبیتی‌ها
۲. مفردات یا تکبیت‌ها
۳. لالایی‌ها؛ نغمه‌های خواب
۴. ترانه‌های نوازش کودکان
۵. ترانه‌های بازی‌های کودکان
۶. آبادون یا ترانه‌های عروسی
۷. اشعار عزاداری‌های مذهبی و سوگواری‌های خانوادگی
۸. ترانه‌های کار
۹. سایر ترانه‌ها

۱. فهلویات یا دوبیتی‌ها

در مناطق مختلف ایران، دوبیتی‌ها را با نام‌هایی چون بیابونی، ترانک، چهارپاره، چاردانه، چارخانه، چار بیتو می‌خوانند و در سیرجان به اینگونه ترانه‌ها «شرمه» یا «غریبی» می‌گویند. مضمون این ترانه‌ها عشق، امید، رنج، فراق، درد و فریاد است. این ترانه‌ها مبین احساسات پاک، دل صاف، افکار سالم و

مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان ❖ ۱۸۵

تخیلات ساده مردمانی هستند که بدون توجه به قواعد شعری حرف دلشان را زده‌اند بدون اینکه از خود نام و نشانی بر جای بگذارند.

دوبیتی‌ها خصوصیات مشترکی دارند؛ ساده و خالی از صنایع ادبی‌اند و جالب اینجاست با وجود اینکه زبان فارسی و عربی مثل شیر و شکر به هم آمیخته‌اند در هیچ‌یک از این سروده‌ها نمی‌توانیم کلمه‌ای عربی پیدا کنیم؛ شاید به این دلیل که اکثر سرایندگان افراد عامی، عادی و بی‌سواد بوده‌اند که در شرایط خاص زندگی تحت تأثیر عوامل مختلف با بیانی ساده و دور از تکلف و پیچیدگی حرف دلشان را بازگو نموده‌اند که اگر غیر از این بود پیام‌گیرنده نمی‌توانست آن را درک کند، به زبان بیاورد و به خاطر بسپرد و در نتیجه به نسل‌های بعدی منتقل سازد.

مضامین دوبیتی‌ها، بررسی شده عبارت‌اند از:

کار و تلاش، عشق و دلدادگی، هجران، وصف طبیعت، ازدواج‌های فامیلی، زمان، اسامی خاص، سلايق، خواستن و نخواستن، مشاغل و ادارات دولتی، شخصیت‌های محلی، حیوانات، دعا، سفر، طنز، آبادی‌ها و ایام هفته.

۱-۱. مضمون کار و تلاش

از آنجا که کارگران در حین انجام کار به خواندن «شرمه» می‌پردازند پس می‌توان از شرمه‌ها به عنوان کارآوا یا آوازهای کاری نام برد. خوانندگان معمولاً در آغاز کار، شرمه‌هایی را می‌خوانند که با نام خدا یا ذکر ائمه علیهم‌السلام و امامزادگان شروع شده‌اند:

امامزاده که سبش (سروش) سایه داره	صد و پنجاه گدا همساده داره
کشیده خیمه‌ای رو سنگ خارا	همه بی‌وايه‌ها را وايه داده

مقصود، امامزاده احمد از نوادگان موسی بن جعفر علیه السلام است که سر و ۸۰۰ ساله‌ای بر گنبد مرقد ایشان سایه افکنده است.

۲-۱. عشق و دلدادگی

خواندن شرمه و غریبی معمولاً بستگی به موقعیت و حالت خواننده دارد؛ به طور مسلم عاشقان، عاشقانه می‌خوانند.

عزیز ناز سیرچونی لبِت قند دو گیسوی سیاهت تا کمریند
اگر از عرش بالاتر نشینی تو را قسمت من کرده خداوند

بلند بالا شدم دیونه تو نیت کردم پیام تو خونه تو
نیت کردم برم لرد بیابون (خارج از شهر) بیابونه دلم در خونه تو

۳-۱. هجران

فراق دیدگان از هجران می‌گویند:

بلند بالای چار شوئم کجایی گل نغنا و رازونم کجایی
دلم تنگه برای دیدن تو برای دیدن و خندیدن تو

امامزاده محمد^۱ حافظش باش که ور کرده بیا نذرت بدم آش

۱. بقعه امامزاده محمد در نزدیکی سیرجان است.

مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان ❖ ۱۸۷

دو سه روزی است که یارم نیست پیدا مگر آهو شده رفته به صحرا؟
تمام دشت و صحرا را بگشتم می‌ی (گویکه) ماهی شده رفته به دریا

۱-۴. مشاغل

مشاغل و نام ادارات نیز در دو بیت‌ها آمده‌اند:

به قربون تفنگ پر براقیت بیایم پادگان گیرم سراغت
دلیم از دوریت آروم نداره به قربون چشای مست زاغت

به قربون ول دفتر نشینم دم دفتر بیا رویت ببینم
دم دفتر بیا نارنج خوشبو از این بوی خوش آروم بگیر

۱-۵. شخصیت‌های محلی

از شخصیت‌های محلی نیز در دو بیت‌ها نام برده‌اند:

در سربازخونه جفت سواره یکی نایب یکی میرزعلی خانه
سلام من به نایب میرسونین مرخص کن که تا یارم بیایه

در خونه مراد قلف (قفل) طلایه به کرمون رفتنش کار خدایه
سلام من به شجاع‌پور^۱ رسونین بزن جولون که دورون شمایه

۱. مراد علیمراد و اکبر خان شجاع‌پور از شخصیت‌های ایلی سیرجان هستند.

۱۸۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ز میدون اومدم با زخم کاری خبر از حالتیم صغری^۱ نداری
برادر جان بکن تقاص خونم گلوله خوردم و میسوزه جونم

شجاع پورم خود اسب نهنگش خود فور خونه و بار فشنگش
گرفته منزلی بالای خاکی نداره از سلحشور هیچ باکی

دو تا شیر نهنگ داره حسین خان یکی اکبر یکی اسفندیار خان
به قریون سر اکبر بگردم سر و جونم فدای اسفندیارخان

همون ساعت به دارستون رسیدم امیدم زندگی در خود ندیدم
همون وقتی که اسبم سرنگون شد دل بلقیس و طوطی^۲ غرق خون شد

۱-۶. حیوانات

حیوانات نیز در ترانه‌های محلی جایگاه دارند:

سر راهت بشینم چون کلاغی بیوشم جومه ی یه لای زاغی (سیاه)
همه پرسند چرا پوشیده زاغی بگویم چون که دلبر گشته یاغی

۱. از زبان سید ابوالحسن کلانتر (برادر مرحوم حاج رشید) پس از اینکه از طرف اسفندیارخان بچاقچی هدف گلوله قرار گرفت. صغری نام مادرش است.
۲. از زبان عطا خان، پسر میر نجف قلی خان خواجهویی در حین مرگ، بلقیس نام مادر و طوطی نام خواهرش است.

مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان ❖ ۱۸۹

شترهای ولم از قلعه در شد خدا مرگم بده اسم سفر شد
خدا مرگی بده تا من بمیرم فراق و دوری از مردن بتر شد

سر کوه بلند آهو برابر دو چشمم غرق خون بهر مادر
همه میگن تو داری جفت خواهر کدوم خواهر بگیره جای مادر

سر کوه بلند میش بره دمبال رئیس قافله کی می‌کنه بار
رئیس قافله هموار هموار که یار کوچکم مونده به دمبال

۱-۷. دعا

بعضی از ترانه‌ها جنبه دعایی دارند:

به الحمدی که قرآن کرده بنیاد به رحمن الرحیم آن سرو آزاد
صراط مستقیم دستت بگیره ولا الضالین نگهدار قدت باد

خداوندا به بسم‌الله ببخشم به سی جزو کلام‌الله ببخشم
که هر چی من گناه کردم به دنیا به ارواح رسول‌الله ببخشم

خداوندا به حق صبر ایوب به حق ناله‌های زار یعقوب

به حق یوسف و حسن زلیخا رسونی دست لیلا را به مجنون

۱-۸. سفر

بعضی از ترانه‌سرایان نیز قصد سفر دارند:

دلَم میخوَا برم گرمای بندر بشینم زیر زلفای سمن بر
سخن‌های سمن بر یادم افتید شدم دیونه و گشتم قلندر

پسینی قافله میره به بندر نمی‌دونم کجا میندازه لنگر
اگر با قافله همپا نباشم نمی‌بینم ولم یه بار دیگر

۱-۹. آبادی‌ها و روستاها

ترانه‌سرایان در بعضی از سروده‌ها نام آبادی‌ها و روستاها را هم ذکر کرده‌اند:

ز «اسطور» اومدم «فریون» میرم «میون دو»^۱ اومدم سیرجون میرم
بسی شهر و دیار کانه (کهنه) گشتم غزالی چون غزال خود ندیدم

ولم در پیر سوغون جا گرفته به دورش ترکه گل پا گرفته
به دورش ترکه گل غنچه غنچه امیرالمؤمنین علیه السلام دستش گرفته

۱. اسطور فریون میاندوآب از آبادی‌های قدیمی سیرجان است.

مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان ❖ ۱۹۱

زمینای قاسم‌آباد سنگ داره تماماً برنو یک رنگ داره
سلام از من به بی‌بی ماه جان^۱ رسونین شجاع‌پور با سلحشور جنگ داده

ملخ اومد به چارگنبد دوباره سر شال شجاع‌پور بُته داره
که هر کی میره خَبر (از توابع بافت) نوبر میاره شجاع‌پور میره و برنو میاره

سر آب رون عبدل آباد ولم انگشتر دستش به من داد
اگر ور دست کنم مردم شناسن اگر واپس بدم قهر میکنه یار

۱-۱۰. ایام هفته

شب شنبه نشون از یارم اومد دوشنبه قاصد دلدارم اومد
سه‌شنبه چشم به راه و دل به امید که چارشنبه گل بی‌خارم اومد

۲. مفردات یا تک‌بیت‌ها

ول من تازگی طیاره داره دوشنبه پست آذربایجونه

ول من شیشه عطری به من داد خودش رفت و خدا صبری به من داد

۱. بی‌بی ماه جان نام مادر شجاع‌پور است.

۳. لالایی‌ها؛ نغمه‌های خواب

لالایی‌ها بخشی از ترانه‌ها با پیشینه‌ای به قدمت تاریخ هستند. «لالا» به معنای خواب و لالا کردن به معنای خوابیدن البته به لفظ کودکانه است.

لالایی‌ها ملودی‌های شیرین و ساده‌ای هستند که در بین ملل مختلف رواج دارند. اهمیت لالایی در خصلت شاعرانه و جنبه موسیقایی آن است. خواننده یا زمزمه‌کننده لالایی باید این ترانه‌ها را با آهنگ



بخواند زیرا کودک تحت تأثیر آوا و آهنگ به خواب می‌رود نه براساس مفاهیم و معانی اشعار. در لالایی‌ها مادر برای فرزندش دعا می‌کند، دشمنانش را مورد نفرین قرار می‌دهد، آرزوهایش را بازگو می‌نماید، کودک را می‌ترساند، او را به هر چه که بهتر است تشبیه می‌کند و در عین حال شکوه و شکایاتش را هم بیان می‌کند. در سیرجان، خواندن لالایی با «للالالا» شروع می‌شود؛ «آل» به معنی جوجه است؛ برای مثال «لِل چغوت» یعنی جوجه گنجشک. به نوزاد و بچه کوچک هم «للو» می‌گویند یعنی کوچولو. لَلُم یعنی کودکم، فرزند کوچکم.

به نمونه‌هایی از لالایی‌های سیرجان اشاره می‌شود:

للالالای گهواره که گهواره گرون باره
به حق روح پیغمبر ﷺ خدا رودم نگه داره

للالالالالای من زن بابات فدای من

مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان ❖ ۱۹۳

فکر سیرجان

شماره ۳۳ / بهار ۱۳۹۲

لِلالا گل نرگس بلا وَر تو نیا هرگز

لِلالا تو مهمونی برای ما نیمونی
عزیزم کوچک نازم تو فردا مرد میدونی

لِلالای لالاچه نبینم داغت ای بچه
اول از تو دویم بابات سیم دایی بلند بالات

لِلالا گل اوشن (آویشن) چراغ حجله‌ات روشن

لِلالا گل ریحون نکن ناله نشو گریون
خدا عمری به بابات ده اسیرم کرده تو سیرجون

لِلالای لایلی برو لولوی صحرای
برو لولو جهندم (جهنم) شو بلا گردون رودم شو
که رودم رود رودونه هنوز هیچی نمیدونم

۴. ترانه‌های بازی‌های کودکانه

ترانه در بازی‌های کودکانه هم وجود دارد. ترانه‌های موجود در بازی‌ها باعث می‌شود که کودک با شور و شغف و تحرک بیشتری بازی کند. او با صدای خواننده خودش را رها می‌کند، با تکان دادن دست و پا حرکات ورزشی انجام می‌دهد، کلمات ساده را بیان می‌کند و به طور کلی حال و هوای خوشی به دست می‌آورد. ترانه‌های بازی، نوازش‌ها و لالایی‌ها در همه مناطق وجود دارند و از آنجا که مادران ابداع کننده بازی‌ها و سراینده ترانه‌های نوازش و ترانه‌های بازی و حتی لالایی هستند، می‌توان گفت بیشتر این ترانه به صورت بداهه سروده شده‌اند. در سیرجان دست‌های فرزند را می‌گیرند و او را به جلو و عقب می‌کشانند و می‌خوانند:

کِشا مِشا دَرِ خونه علیشاه نون چی خوردی
کودک می‌گوید: نون، آب، گوشت
مادر می‌پرسد: کو برای من
کودک می‌گوید: تو گتِ کلی دون
مادر می‌گوید: وقتی رفتم گربه خورده بود.

بعد دست‌های فرزند را رها می‌کند و هر دو با هم می‌خوانند: اگر گربه رِ
بینم سرِ دُمبشِ می‌چینم.

مادر انگشتانش را روی زمین به حرکت در می‌آورد و می‌گوید:

مار اومد و موش اومد دست داره و پا داره
دُمبی در قفا داره تو دل بچم جا داره

مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان ❖ ۱۹۵

بعد کودک را پُخو می‌کند (قلقلک می‌دهد) و هر دو با هم می‌خندند.
در مراحل مختلف رشد کودک، مادر او را نوازش می‌کند. برای مثال وقتی می‌ایستد چنین می‌خواند:

واسیده گلم واسیده دونه هلم واسیده
تنا تنا واسیده خوش قد رعنا واسیده

به قربون قد تو که شکر بارِ خر تو
خودم خرو رِ میروئم به مقصد می‌رسونم

زمانی که طفل صاحب دندان می‌شود، چنین برایش می‌خوانند:

عدس عدس ناز دستوواش سر زدن دندونوواش

هنگامی که کودک دست می‌زند نیز برایش چنین می‌خوانند:

عدس عدس آش عدس گربه زنبیلش می‌بست

پیش قاضی ور می‌جست قیلون قاضی رِ شکست

۵. آبادون یا ترانه‌های عروسی

آبادون‌ها هم ترانه‌هایی هستند که در مراسم مختلف عروسی خوانده می‌شوند که انواعی دارند:

۵-۱. ترانه‌های بریدن چادر عروس

به طور مثال در مراسم رخت‌برون همین که چادر عروس بریده می‌شود، داریه زن چنین می‌خواند:

خانم عاروس بی بی عاروس اومدیم تختت ز نیم سکه آل محمد ﷺ قیچی ور رختت ز نیم

و دیگران همخوانی می کنند: بادا بادا بادا همگی سلامت بادا!
زمانی که برای چیدن (آراستن) حجله به منزل داماد می روند، چنین می خوانند:

اومدیم حجله ببندیم نیومدیم سیل بکنیم آتش بنداز تو سماور تا چایی میل بکنیم

۲-۵. ترانه های آذین بندی حمام

ای حمومی ای حمومی راه حموم از کجاست کیسه مخمل شونه ناقره (نقره) سنگ پاشور از طلاست

یه حمومی ما بسازیم مٹ (مثل) حموم اوستا رضا گیش از مکه بیاریم آبش از امام رضا علیه السلام

ای حمومی ای حمومی آب حموم تازه کن شیردوماد رفت به حموم شربتش آماده کن

۳-۵. ترانه های عروس کشون

عروس کشون یکی از مراسم عروسی است که در گذشته بعد از صرف شام برگزار می شد؛ در این مرحله داماد به اتفاق پدر و جمعی از بزرگان، از مجلس مردانه (منزل پدر داماد) به مجلس زنانه (منزل پدر عروس) می آمد و عروس را بعد از خداحافظی طولانی که معمولاً با گریه و دست بوسی و پابوسی همراه بود، به خانه خویش می برد. در این هنگام داریه زن چنین می خواند:

گل وخیز چادر به سر کن حالا وقت رفته

از زبان عروس:

مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان ❖ ۱۹۷

والله بالله من نمیرم خونه بابام بهتره
 خونه بابا نون گندم مغز پسته می خورم
 خونه شوهر نون جو با رنج و غصه می خورم
 هنگامی که عروس را به منزل داماد می‌رساندند، چنین ترانه‌ای خوانده
 می‌شد:

(از زبان خواهران داماد)

گل آوردیم داداشی سمبل آوردیم داداشی
 ما که تنبل نبودیم زنت آوردیم بی ماشین

اقوام عروس نیز چنین می‌خواندند:

یه اتاقی خالی کنین فرش رو گل کاری کنین
 گل اومد خونه شما از او نگهداری کنین

۴-۵. ترانه‌های گلایه آمیز

یه عاروسی ما آوردیم ده دوازده سالشه خیلونا^۱ گوید مبارک عهد نادر یادشه

ما خانیم خان زاده‌ایم و با خانا همساده‌ایم از شما دختر نمی‌خیم (نمی‌خواهیم) ما کلوترزاده‌ایم

ما می‌خواستیم ما می‌خواستیم دختر همساده‌مون سر راهش گل بریزیم تا بیاریم خونه‌مون

۶. ترانه‌های کار

با تمام این تفصیل پرمضمون‌ترین و زیباترین ترانه‌ها را می‌توان در زندگی روستاییان و عشایری شنید که هنوز هم مراسم آیینی را بر پا می‌دارند و یا در حین انجام کارهای مختلف ترانه‌خوانی را لازمه کار می‌دانند. زیباترین اشعار و ترانه‌های عشایری ترانه‌های باران‌خواهی، قالی‌بافی، مشک‌زنی و ترانه‌هایی هستند که چوپانان در هنگام چراندن گوسفند به همراه نوای نی می‌خوانند.

۱-۶. ترانه‌های باران‌خواهی

قسمتی از ترانه گل‌گشنیز در آیین باران‌خواهی ایلات و عشایر سیرجان:

گل‌گشنیز و پاشنه طلا	بارون نمی‌باره چرا
اوسکی خوردیم آب چاه	رنگامون شده رنگ کاه
گل‌گشنیز و هوهو کن	دنیا ر پر از او (آب) کن

۲-۶. ترانه مشک‌زنی

هی مشک زدم سحل شد (سحر شد)

بُوای بُوام (پدر بزرگم) به در شد

ایشوم (واحد کوچک ایل) بالا خبر شد

قلعه پایین خیر شد

۳-۶. ترانه‌های مشک‌سازی

مشکم مشکم مشکوله	پوستش بُز مُر توله
مسکه به توش گروه	دوغش مال مهمونه
پولش مال دیونه	چوپون نگیر تو بونه

مضامین ترانه‌های محلی؛ مطالعه موردی ترانه‌های سیرجان ❖ ۱۹۹

مشکی که درست کرده‌ام مناسب و اندازه است، پوستش از بز گوش کوتاه است، کره گلوله گلوله داخلش جمع شده، دوغ این مشک مال مهمان است، پولش متعلق به دولت است، چوپان تو به این کار من بهانه نگیر.

۴-۶. ترانه‌های شیرپیمی^۱

نمونه‌ای از ترانه‌هایی که زنان در هنگام شیرپیمی و یا درست کردن نذوراتی چون شیرین برنج می‌خوانند:

سر کوه بلند دیگی به باره
برنج قُل می‌خوره دل بی‌قراره
برنج قل می‌خوره با شیر میشون
مرا از تو گرفتند قوم و خویشون

۵-۶. ترانه‌های چوپانی

به قربون همو یار سیاه تو (سیاه چرده) که بیل رو شونشه میره سِر او (آب)
به قربون بزرگی خداشم دو چشمش ور من و بیلش دم او

* * *

دل آرومم، دل آرومم نبیدی (نبودی) قَرار و صَبر و آرومم ندیدی
من از روز ازل فهمیده بیدم (بودم) که دوشاب گلو سوزی نبیدی (آش دهان سوزی نبودی)

* * *

فدای چادر چیت دو رنگت فدای رنگ ماهتابی قشنگت
شنیدم ایل امشو بار کرده فدای گله و ایل و تفنگت

۱. irpeymi از آیین‌های عشایری است و در لغت به معنای پیمانه کردن شیر است.

منابع

۱. احمدی پناهی، محمد (۱۳۷۶) ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، تهران: سروش.
۲. افروغ، محمد (۱۳۸۷) «علی‌الکلیله» در ترانه‌های عامیانه»، فصلنامه فرهنگ مردم، ش ۱۲.

